

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رحیمه توخی

۰۸ جنوری ۲۰۲۱

از رفیق های مبارزواندیشمند «توخی» گرامی جهانی شکران و سپاس

عده ای از بقایای تسلیم طلبان "ساما"، در نبود همسر و همرزم «زنده یاد کبیر توخی» اراجیفی را سرهم بندی کرده و یک دیگر خود را افشاء نموده اند. ضمن افشاء نمودن ماهیت پلید خود «زنده یاد توخی» را نیز در ردیف کسانی که دست از مبارزه کشیده بودند مورد نقد قرار داده اند. که در جمله عناصر فراری گویا «زنده یاد توخی» نیز قرار داشت. اولین نوشته که نظرم را به خود جلب نمود نوشته عیاری از کابلستان بود این رفیق مبارز و دلیر شجاع و وطنپرست، افشاگر و نترس که مفسدان و خائنان به وطن را بیباکانه افشاء می نماید به جواب شان پرداخته است عمرش طولانی و موفق و کامگار باشد.

یاد همسر مرد سترگ نستوه و شکست نا پذیر «کبیر توخی» گرامی باشد که عمر عزیزش را در مبارزه به ضد ارتجاع و ستمگران سپری نمود. وی تا آخرین روز زندگی اش به دفاع از اندیشه های پیشرو عصر مآپرداخته و زحمات زیاد را در این راه متقبل گردید. در مبارزه به خاطر رهائی میهن و مردمش توسط مزدوران سوسیال امپریالیزم روس متجاوز دستگیر و به زندان مخوف پلچرخ انداخته شد. شکنجه های گوناگون دژ خیمان و باداران روسی آنان را سر سخرانه و مردانه تحمل نمود و از شکنجه دژ خیمان سربلند بیرون شد و تسلیم غلامان روس نگردید.

دژ خیمان که کینه مبارزان را در دل داشتند و دارند برایش شانزده سال حبس تعیین کردند. هشت سال را به زجر و شکنجه و کوفته قفلی های پیهم در زندان خلقی - پرچمی ها و خادی های بی ننگ و عار سپری کرد مگر از افشای جاسوسان دولت مزدور لحظه ای ابا نورزید. بعد از شکست هائی پیهم دولت کودتا و در خواست مصالحه ملی توسط دولت مزدور بعد از هشت سال از زندان رها گردید.

بعد از رهائی از زندان دست بالای دست نگذاشت و آرام ننشست به مبارزه دوام داد. بالای وظیفه سابق نرفت هر روز دولت به بهانه های مختلف توسط گماشتگان خود برایش مزاحمت ایجاد می کرد و مکرراً در خواست می نمود که به وظیفه خود در وزارت تعلیم و تربیه برگردد. مزاحمت های گماشتگان خاد و خلقی پرچمی به شکل اخطار توسط یکی از مأموران داده شد که دولت با شما آشتی کرده و شما هنوز با حاضر نشدن بالای وظیفه همراه دولت آشتی نکرده اید.

توخی گرامی برایش چنین گفت که پاهایم را نسبت دردی که در کمری پایم استخوان تشکل کرده به زمین گذاشته نمیتوانم. دوکتور عمل جراحی را توصیه نموده هر وقتی که پایم خوب شد ممکن به وظیفه سابقم حاضر شوم.

شخص دیگری به خانه ما به دیدنش آمد و گفت اگر به کارت نیائی امکان دارد باز زندانی ات کنند. توخی ناگزیر وطن را ترک کرد از جانب دیگر همه کسانی که از زندان آزاد شده بودند ونمی خواستند با دولت مانند تسلیم طلبان و همپالگی های شان همکاری نمایند مجبور به ترک وطن شدند.

«توخی» هشت سال را در گرمای طاقت فرسای هندوستان دست از مبارزه نکشید همواره نوشت و به رسانه ها و مجلات آن زمان می فرستاد و بعد از هشت سال با اسپانسر یکی از رفقاء به کانادا آمدیم. باز هم زنده یاد «توخی» در غربت و تنگدستی مجادله کرد و به مبارزه ادامه داد.

در زندان و خارج از زندان افزایش جاسوسان و خائنان دریغ نکرد. با وجود مریضی هائی که در زندان برای تمام زندانی ها و من جمله «توخی» پیدا شد از مبارزه دست نکشید.

پنج جلد خاطرات زندان مخوف پلچرخی را در زمانی نوشت که به کلی از پا مانده بود. تعداد زیادی زندانی بودند ولی آنها نخواستند خاطرات زندان خود را بنویسند. کسانی که زندانی شده اند می دانند که باز کردن خاطرات زندان دوباره آدم را تا اعماق شرایط غیر انسانی زندان که خلقی - پرچمی ها و خادیشان ایجاد کرده بودند با خود می برد.

«توخی» با نوشتن خاطرات زندان ظلم و ستم دولت مزدورو مستبد و دژخیمان شکنجه گرو جاسوسان دولت پوشالی را برای نسل آینده به یادگار گذاشت.

زنده یاد «توخی» تا چند ساعت پیش از حمله استروک دماغی در پشت کمپیوتر نشسته بود و می نوشت.

من حیرانم که این شخص عقده مند چطور به خود جرأت داده که "توخی" را نیز در ردیف گریزی ها قرار دهد ممکن از نیش قلم توخی صدمه دیده باشد.

اشخاص روشن بین و با وجدان مبارزات سر سخته و استواری وی را در زندان و خارج از زندان را می ستایند.

«توخی» تا وقتی که زنده بود چون شیر می غرید و این موش های مودی غار می پالیدند و سر بلند کرده نمی توانستند.

حالا که «توخی» در بین ما نیست اپورتونیست ها سر بلند کرده دهن کجی می نمایند.

رحیمه توخی رفیق و همزم «توخی»

یادش گرامی و خاطراتش جاودان باد.